

برای افزایش دستمزد مبارزه کنید

در عرصه کلان اقتصادی در حوزه مناسبات بازار کار بوسیله کل نظام به طور عام و وزارت کار و امور اجتماعی بطور خاص تدوین، اجرا و پیگیری می‌شود.

به عبارت دیگر، اصلی ترین عرصه بروز سیاست‌های ضد کارگری رژیم برای انتقال بار بحران ساختار اقتصادی ایران بر دوش مزد و حقوق بگیران، به صورت اخص خود را در حوزه تعیین حداقل دستمزد می‌نمایاند.

مبانی و ماهیت سیاست‌های رژیم در حوزه تعیین دستمزد بر اساس استراتژی و جهت‌گیری اقتصادی رژیم و همچنین اهداف و عملکرد ارگان‌های مؤثر در این جهت‌گیری‌ها و همچنین تأثیرات تشکلی‌های سرمایه داران مانند اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و... بر آن، عمدتاً متکی به باور و دیدگاه‌های اقتصادی نئولیبرالی هستند. از این رو راهبردهای جمهوری اسلامی در خطوط کلی، بکار بستن همه تمهیدات برای حاکم کردن «بازار آزاد» مطلق در مناسبات کار بطور عموم و در حوزه تعیین دستمزدها بطور خاص خواهد بود.

برخی مؤلفه‌های این راهبرد را می‌توان در محورهای ذیل برشمرد:

- تعیین حداقل دستمزد بر اشتغال تأثیر مستقیم دارد و موجب افزایش کسری بودجه دولت می‌گردد و آثار توری به همراه دارد.

- تعیین حداقل دستمزد یک مانع جدی بر سر راه ساز و کار بازار است.

- تعیین حداقل دستمزد مهمترین مانع در فضای کسب و کار خواهد بود.

برچین زمین‌های، تعرضات جمهوری اسلامی به طبقه کارگر در عرصه مقررات زدانی از مناسبات کار و حذف و مسخ قانون کار و به ویژه در عرصه تعیین حداقل دستمزد (با توجه به شرایط و مختصات انباشت سرمایه و تأثیر رکود و بحران در اقتصاد جهانی و شرایط تحریم) و با توجه به تمهیدات رژیم در خصوص‌سازی‌ها و همچنین ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی، اجرای طرح تحول اقتصادی و همچنین تلاش دولت برای حذف ماده ۴۱ قانون کار در طی چند سال گذشته، معنا و مفهوم روشن‌تری می‌یابد.

جهرمی وزیر کار و امور اجتماعی دولت احمدی نژاد در این باره گفته بود: «در پیش نویس لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، حذف ماده ۴۱ قانون کار مبنی بر تعیین حداقل حقوق و افزایش دستمزد کارگران پیش‌بینی شده است».

بر اساس ماده ۱۳ لایحه هدفمند سازی یارانه‌ها «الزام افزایش دستمزد کارکنان در بخش دولتی موضوع ماده (۱۵۰) قانون برنامه چهارم توسعه، از سال ۱۳۸۸ مواد (۲۴) و (۱۲۵) قانون خدمات کشوری و ماده ۴۱ قانون کار از زمان اجرای این قانون موقوف‌الاجرا خواهد شد و تمامی قوانین مغایر با این قانون، از زمان ابلاغ لغو و آئین‌نامه‌های اجرائی این قانون حداکثر پس از دو ماه به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارائی، وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت و راهبردی، به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید».

هیأت وزیران خواهد رسید». < صفحه ۱۴

در ابلاغیه وزیر کار و امور اجتماعی آمده است که با در نظر گرفتن مصالح کارگران در انطباق هر چه بیشتر میزان درآمد آنان با سطح معیشت و همچنین با توجه به مقتضیات بنگاه‌های تولیدی و کارفرمایان و شرایط اقتصادی جامعه موارد ذیل به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت:

۱- میزان حداقل مزد روزانه برای کلیه کارگران مشمول قانون کار (اعم از قرارداد دائم یا موقت) ۸۷۸۴۰ (هشتاد و هفت هزار و هشتصد و چهل) ریال تعیین گردید.

۲- سایر سطوح مزدی نیز روزانه ۵ درصد مزد ثابت یا مزد مینا (موضوع ماده ۳۶ قانون کار) به اضافه روزانه ۱۰۹۸۰ ریال به نسبت آخرین مزد سال ۱۳۸۷ افزایش می‌یابد. مشروط بر آنکه، مزد روزانه هر کارگر از مبلغ ۸۷۸۴۰ ریال کمتر نشود.

۳- به کارگرانی که در سال ۱۳۸۸ دارای یک سال سابقه کار شده‌اند و یا یک سال از دریافت آخرین پایه سنوات آنان گذشته باشد، روزانه مبلغ ۱۲۵۰ ریال به عنوان پایه سنوات پرداخت خواهد شد.

۴- از ابتدای سال ۱۳۸۸ مبلغ ریالی بن (سهم کارفرمایان) به عنوان مزایای رفاهی و انگیزه‌ای، موضوع تبصره ۳ ماده ۳۶ قانون کار تحت عنوان کمک هزینه اقلام مصرفی خانوار (بن کارگری) منظور و بابت هر کارگر (اعم از متاهل یا مجرد) ماهانه مبلغ یکصد هزار ریال از سوی کارفرمایان به آنان پرداخت شود.

یادآوری این مساله اهمیت دارد که وزیر کار تصریح می‌کند که افزایش دستمزدها در سال ۱۳۸۸ به صورت پلکانی صورت می‌گیرد. یعنی کسانی که کمترین حقوق را دارند بیشترین افزایش و آتھانی که بیشترین حقوق را دریافت می‌کنند، کمترین افزایش را خواهند داشت و اضافه می‌کند: «حداقل دستمزد بر اساس آنالیزی که در سایر سطوح صورت گرفت حدود ۱۷/۵ درصد بود».

نوشته حاضر نگاهی دارد گذرا به سیاست‌های ناظر بر تعیین حداقل دستمزد در جمهوری اسلامی و همچنین گسترش تعرض به سطح معیشت کارگران و انتقال هر چه بیشتر بار بحران ساختار اقتصادی ایران بر گردن مزد و حقوق بگیران و همچنین ضرورت‌های مبارزه کارگران و تشکلی‌های مستقل کارگری برای افزایش دستمزد و گسترش این مبارزه.

تعیین حداقل دستمزد و سیاست‌های ناظر بر آن، ضوابط و معیارهای تعیین آن و همچنین حوزه تأثیر و دامنه شمول آن، چگونگی و سطح مشارکت کارگران و تشکلی‌های مستقل آنان، بیانگر سیاست‌های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و برآیند راهبردهائی است که

بر اساس گزارش روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی، شورای عالی کار رژیم، در اجلاس دوم خود در ۲۱ اسفند ۱۳۸۷ حداقل دستمزد ماهانه کارگران را برای سال ۱۳۸۸ به میزان دومیلیون و هفتصد و چهل و پنج هزار (۲۷۴۵۰۰۰) ریال تعیین نمود.

مصوبه شورای عالی کار رژیم، حداقل مزد کارگران را روزانه ۹۱۰۰۰ ریال اعلام کرد. به هنگام اعلام مصوبه شورای عالی کار، میزان افزایش حداقل دستمزد کارگران در دایره شمول قانون کار، ۲۵ درصد اعلام گردید. همچنین تأکید شد که این میزان با توافق همه اعضاء گروه‌های تشکیل دهنده شورای عالی کار، از جمله نمایندگان طرف «کارگری» تعیین شده است.

میزان حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۸ بدون در نظر گرفتن سبد هزینه خانوار و به عبارت دیگر، بدون توجه به ماده ۴۱ قانون کار رژیم، تنها بر اساس تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی تعیین گردید. بانک مرکزی رژیم، پیش‌تر، میزان تورم را رسماً ۹/۲۵ درصد اعلام کرده بود.

وزیر کار و امور اجتماعی در موارد گوناگون به تصریح گفته بود که «رویکرد تعیین حداقل دستمزد برای سال آینده، تنها تعیین معیشت کارگران نیست» بلکه «حداقل دستمزد به گونه ای است که بنگاه‌های تولیدی بتوانند پایداری داشته باشند» و یا میزان حداقل دستمزد کارگران را به «تعیین نرخ بیکاری» و یا «وضعیت اقتصادی جامعه» و یا «فروش و تولید محصولات» مرتبط می‌نمود.

اما این میزان از حداقل دستمزد نه تنها مورد اعتراض سرمایه داران و کارفرمایان و تشکلی‌های آنان از جمله اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران قرار گرفت، بلکه به نظر می‌رسد که دولت نیز خود از مخالفین این میزان حداقل دستمزد بوده است. بانک مرکزی رژیم که پیش‌تر نرخ تورم را ۹/۲۵ درصد اعلام کرده بود، با یک عقب‌نشینی برق‌آسا، در همراهی با دولت و وزارت کار و امور اجتماعی نرخ تورم پیشتر اعلام شده را کاهش داده و میزان آن را حدود ۱۹ درصد اعلام کرد و مدعی شد که نرخ تورم رو به کاهش است.

براین اساس، حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار، در آخرین اجلاس شورای عالی کار رژیم در ۲۷ اسفندماه گذشته، به میزان روزانه ۸۷۸۴۰ (هشتاد و هفت هزار و هشتصد و چهل) ریال، یا بعبارت دیگر، حداقل دستمزد ماهانه کارگران به میزان ۲۶۳۵۲۰۰ ریال اعلام گردید.

علاوه بر این، کارگران روزانه مبلغ ۱۲۵۰ ریال بابت پایه سنوات و همچنین مبلغ یکصد هزار ریال بابت بن کارگری در هر ماه دریافت خواهند کرد.

صفحه ۱۳ <

وزیر کار و امور اجتماعی پیشتر نیز آشکار و پنهان بارها در این باره که «نیازی به تعیین حداقل دستمزد و یا افزایش آن نیست و باید آن را به دست نامرئی بازار سپرد» و یا اینکه، تعیین حداقل دستمزد هیچ نقش مؤثر و کارآمدی در تأمین هزینه‌های کارگری و... نداشته است» سخن گفته بود. علاوه بر این، شخص وی در حذف و لغو ماده ۴۱ قانون کار گوی سبقت را از دیگر کاربیه‌دانان رژیم ربوده و تعیین دستمزد کارگران را نه براساس ماده ۴۱ قانون کار، بلکه بر پایه «تابعی از دو متغیر، یکی تورم موجود در کشور (آنهم به روایت وزارت کار و امور اجتماعی) و دیگری توان پرداخت کارفرمایان» تصریح می‌نمود. واضح است که تعیین حداقل دستمزد بر چنین پایه ای، معنایی جز نهادن بار بحران اقتصادی بر گرده مزد و حقوق بگیران ندارد.

علاوه بر این، جهرمی وزیر کار و امور اجتماعی در ۲۵ اسفندماه گذشته در اتاق بازرگانی تهران، علی‌رغم آن که مورد عتاب و خطابت اعضای این تشکل سرمایه‌داری در مخالفت با حداقل دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار رژیم که ریاستش برعهده وی می‌باشد قرار گرفت، در پاسخ به خواست‌های آنان برخی دیگر از اجزای سیاست دولت را در مورد حذف تعیین حداقل دستمزد آشکار ساخت.

جهرمی تأکید کرد که در تعیین حداقل دستمزد برای سال آینده، تنها تعیین معیشت کارگران مورد نظر نیست بلکه پایداری و توان پرداخت کارفرمایان و بنگاه‌های اقتصادی نیز لحاظ شده است. البته در مقابل خواست‌های صریح سرمایه‌داران و اعتراض آنان به حداقل دستمزد تعیین شده، ضمن آنکه بانک مرکزی را در مورد اعلام درصد تورم مورد انتقاد قرار داد، گفت: «هم اکنون تأمین معیشت با ۲۷۰ هزار تومان برای کارگران بسیار دشوار است» و با اشاره به «اصلاح» قانون کار در جهت خواست‌های سرمایه‌داران، تصریح کرد: «هم‌اکنون برخی از بندهای قانون کار اصلاح شده است، رفع موانع تولید و حرکت به سوی سیستم کارمزدی بجای وقت‌مزدی، از مهمترین موضوعاتی است که وزارت کار همواره بر آنها تأکید دارد».

کوتاه سخن اینکه، پرداخت دستمزد کارگران در سیستم کارمزدی از یک سو هرچه بیشتر ماهیت استثمار پنهان می‌شود و از سوی دیگر بر تشدید نرخ استثمار و افزایش شدت آهنگ کار ناظر است. با این توجیه که کارگر هر چه بیشتر کار کند، مزد بیشتری خواهد گرفت.

آنچه که از سوی وزیر کار به‌عنوان «اصلاح» قانون کار و رفع موانع تولید و سیستم کارمزدی مطرح می‌شود، اهداف مختلفی را دنبال می‌کند:

اول: با مقررات زدائی از مناسبات کار و حذف و مسخ قانون کار و بخصوص در عرصه تعیین حداقل دستمزد، سرمایه‌داران و

کارفرمایان به صورت «قانونی» با توجه به شرایط امروز و ارتش ذخیره بیکاری فراهم آمده می‌توانند هر مبلغ ناچیزی را به‌عنوان مزد به کارگران که از هیچ‌سو حمایت نخواهند شد، تحمیل کنند.

دوم: چنین شرایطی به سرمایه‌داران و کارفرمایان این امکان را می‌دهد که با افزایش زمان کار و شدت کار، از یک سو از تعداد کارگران بکاهند و از سوی دیگر پی‌آمد چنین روندی خود کاهش سطح دستمزد را به‌دنبال خواهد داشت و در روند خود، بی‌قانونی و حاکم کردن قانون جنگل و عدم برخورداری کارگران از حداقل حقوق تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری را به ارمغان خواهد آورد. علاوه بر این، چنین وضعیتی موجبات گسترش تفرقه میان کارگران را افزایش خواهد داد. این شرایط از یک سو بار بحران اقتصادی را در تمام ابعادش برگرده مزد و حقوق بگیران منتقل می‌کند و از سوی دیگر روند انباشت سرمایه و عبور از شرایط بحرانی را با غارت کارگران و زحمتکش‌ان و راندن آنان به ورطه هلاکت و نیستی، فراهم می‌سازد.

مبارزه تشکل‌های کارگری

برای افزایش دستمزد

مبارزه کارگران و تشکل‌های کارگری مستقل برای افزایش دستمزد در طی سال گذشته ادامه یافت. میزان حداقل دستمزد تعیین شده برای سال ۱۳۸۷ خود مهمترین محور مبارزه برای افزایش دستمزد بود. در حالیکه جهرمی وزیر کار و امور اجتماعی رسماً می‌گفت که نیازی به تعیین حداقل دستمزد یا افزایش آن نیست و علاوه بر این، خود اذعان می‌کرد که «بیش از ۵۰ درصد درآمد اکثر کارگران صرف هزینه مسکن می‌شود»، میزان حداقل دستمزد چند برابر زیر خط فقر تعیین گردید. و این در حالی است که نزدیک به ۹۵ درصد کارگران در دایره شمول قانون کار قرار ندارند و عمدتاً همین حداقل دستمزد را هم دریافت نمی‌کنند. همچنین نرخ تورم و میانگین تغییرات قیمت گروه وسیعی از کالاها و مایحتاج زندگی کارگران مانند اجاره مسکن، مواد غذایی و... به‌گونه‌ای سرسام‌آور افزایش می‌یافتند. و بر اساس گفته ابراهیم نظری جلالی معاون وزیر کار و امور اجتماعی: «حداقل دستمزد در سال ۸۷ فقط ۴۶ درصد هزینه زندگی کارگران را تأمین می‌کند».

در چنین شرایطی، کارگران بسیاری از کارخانه‌ها خواستار افزایش حقوق شدند. اعتراضات کارگران کارخانجات ایران خودرو، شرکت صنایع فلزی، کارگران کوره‌پزخانه‌های تهران و ورامین و ارومیه، کارگران کارخانه پریس، کارگران کارخانه شاهو و... برای افزایش دستمزد بیانگر این مبارزه است.

علاوه بر این، سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، اتحادیه کارگران آزاد، به‌همراه شمار بسیاری

دیگر از کارگران کارخانه‌ها، با شعار «افزایش دستمزد و برخورداری از یک زندگی انسانی حق مسلم ماست»، با تهیه طومار و جمع آوری امضاء خواستار افزایش دستمزد تا مبلغ یک میلیون تومان گردیدند.

برخی نهادهای مدافع کارگران مانند کانون مدافعان حقوق کارگر و تشکل‌های فعالین کارگری مانند کمیته هماهنگی و...، ضمن تأکید بر مبارزه متشکل و متحد کارگران برای تحقق افزایش دستمزد، خواستار افزایش دستمزد بالاتر از خط فقر و برابر با نرخ واقعی تورم و سبب هزینه خانوار شدند. این تشکل‌ها همچنین خواستار تعیین حداقل دستمزد توسط خود کارگران و نمایندگان واقعی آنها و تشکل‌های مستقل کارگری و انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی گردیدند.

ضرورت مبارزه برای افزایش دستمزد

در شرایطی که ماهیت، پی‌آمدها و نتایج سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های ضد مردمی دولت برگماشته ولایت فقیه و شرکای نظامی-امنیتی‌اش، بحران همه جانبه اقتصادی-اجتماعی و سیاسی را که حکومت اسلامی در طول حیاتش و به‌ویژه در چهار سال گذشته خود موجد آن بوده، تشدید و آن را گسترش داده است. در شرایطی که کارگران و زحمتکش‌ان از دست‌یابی به ضرورت‌های اولیه کار، معیشت و زندگی خود بازداشته می‌شوند و فقر و فلاکت بیداد می‌کند. در حالی که خصوصی‌سازی‌های گسترده، اجرای سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی رژیم و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی نهادهای سرمایه‌داری جهانی، موجی از ورشکستگی و تعطیلی کارخانه‌ها را به‌همراه بیکار شدن و بیکار سازی کارگران را به بار آورده و بر دامنه و عمق بحران می‌افزاید.

در اوضاعی که شمار بیکاران از مرز ۵ میلیون نفر گذشته و به اذعان وزیر کار و امور اجتماعی «قطار بیکاری در کشور در ریل نیست و ترمز هم ندارد» و علاوه بر این، معوق گذاشتن پرداخت، حتی همین دستمزدهای چند بار زیر خط فقر به سیاست رایج کارفرمایان ایران تبدیل شده است. در شرایطی که بهای کالاهای اساسی نیاز خانوار کارگری بی‌وقفه افزایش می‌یابد و تورم بیش از ۳۰ درصدی و افزایش شدید قیمت‌ها و در نتیجه کاهش قدرت خرید توده‌ها، بخش دیگری از سفره آنان ربوده است. در چنین شرایطی مبارزه برای افزایش دستمزد چه ضرورت و معنایی می‌تواند داشته باشد؟

< صفحه ۱۵

